

**KING
BOOK**

VENOM



**GATES
COELLO
ABURTOV**

MARVEL

31

LGY#196

دورنامه

dorrname.ir

کاری از: کیوان داوند

-COELLO-
20

مدت ها قبل...

USERNAME :
REX STRICKLAND
PASSWORD :

اخبار رگس استرکلند

شروع ضبط.

رگس
استرکلند صحبت
می کنه و اگر اینو
می شنوید، من
مردم.

که، خوب،
در اصل...

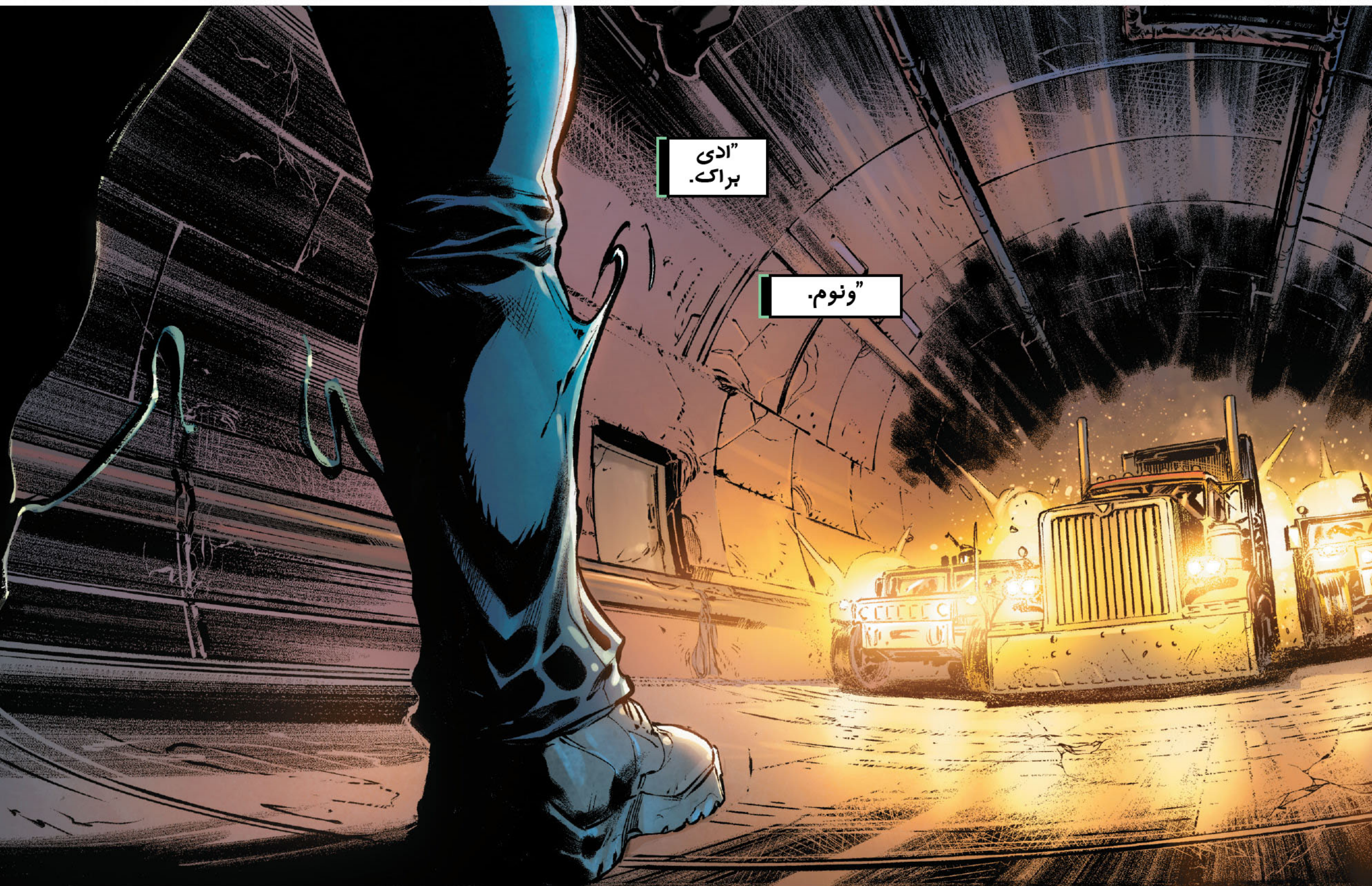
...به این معنیه
که کسی هرگز اینو
نخواهد شنید.

چون تنها
کسی که ممکن
بود اونو بشنوه...

dorname.ir

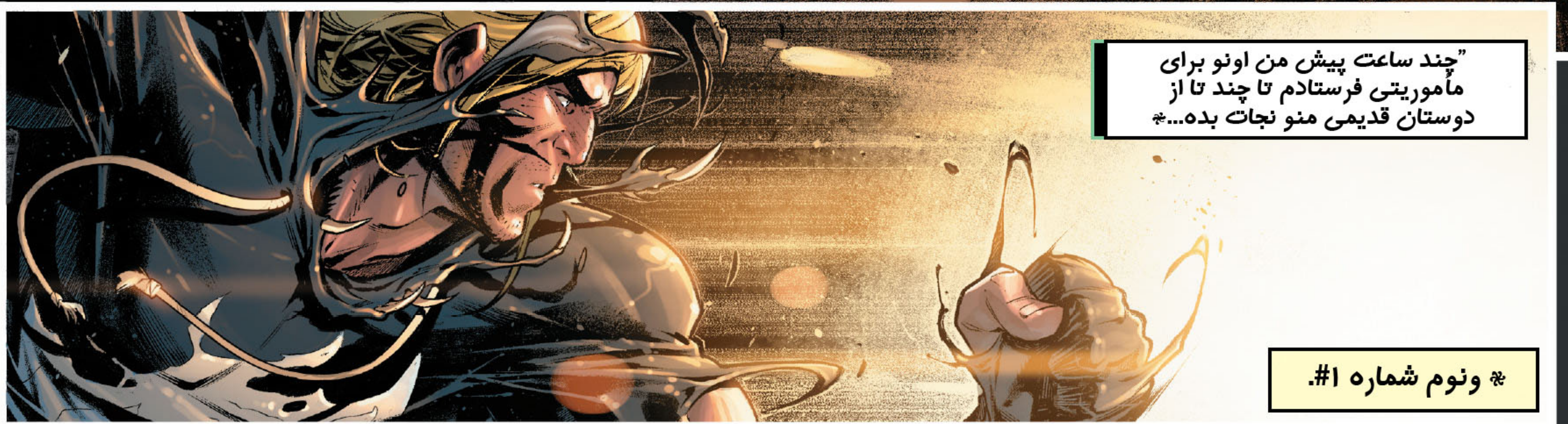


...احتمالاً
مرده.



”ادی
براک.“

”ونوم.“



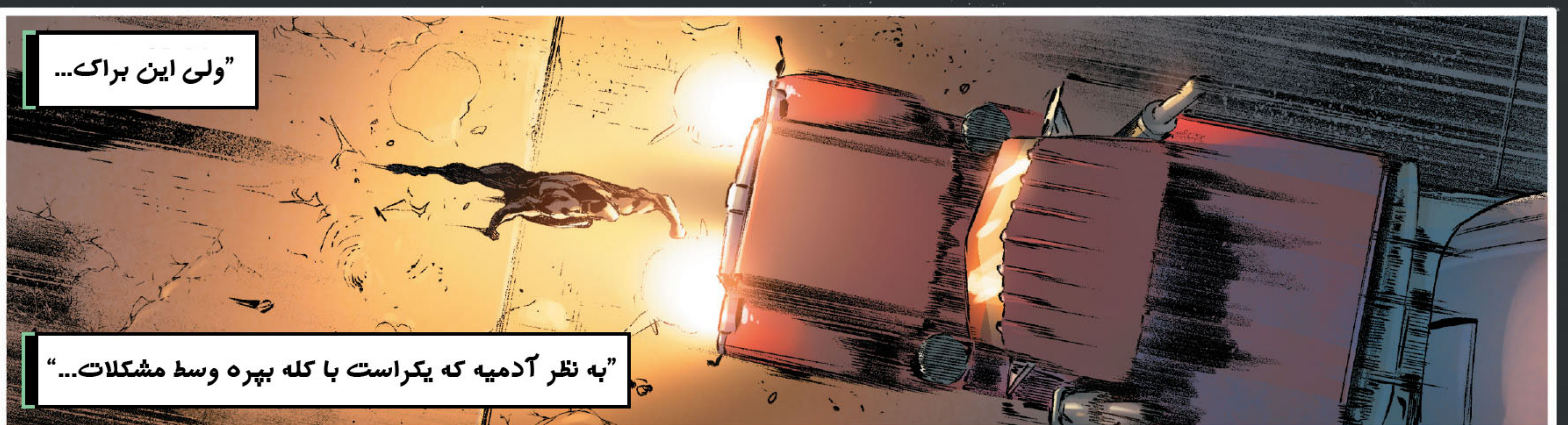
”چند ساعت پیش من اونو برای
ماموریتی فرستادم تا چند تا از
دوستان قدیمی منو نجات بده...“

✧ ونوم شماره #۱.



”نمی خواستم ونوم رو برای این کار
بفرستم، ولی خوب، ای تنها کسی بود
که داشتیم...“

”فلش تامسون... الان ونومی وجود داشت که
کمی آموزش دیده بود و استراتژی بلد بود.“



”ولی این براک...“

”به نظر آدمیه که یگراست با کله بپره وسط مشکلات...“



و اگه قرار باشه از چیزی که در پیشه جون سالم به در ببریم...

...باید زودتر یه چیزهایی رو یاد بگیره.



بیچاره هنوز نمی دونه اون بیرون چی انتظارشو می کشه.

آخرین باری که باهاش صحبت کردم حتی اسم سیمپیوتش رو نمی دونست.



دارم بهش امیدوار می شم.

ولی با گذر زمان این امید کمتر می شه...



چون اگه از عهده این مأموریت برنیاد...

...وقتی جنگ اصلی شروع بشه، کارش برای روبرو شدن با مشکلات واقعاً سخت می شه...

زمان حال.

"...یا مثل بقیه
سقوط کنه.

"هجده ساعت از
وقتی که برایک رو
برای نجات برادرهام
فرستادم، می گذره.



خوب،
خوب... کوچولو...

لطفاً نه!
منو نبر...

با این
در نیفت...



من و تو قبلاً با هم
ملاقات داشتیم، درسته؟ با
هم تو این ماجرا بودیم،
نمی تونی با من بجنگی.

منو از
ادی بگیر!
اون...

خواهش می کنم...
میوهان تو همیشه تو رو
مقبض نگه داشتند، فرود نلزم...

"و ده ساعت از آخرین
تماسش می گذره..."



...به من نیاز
داره...

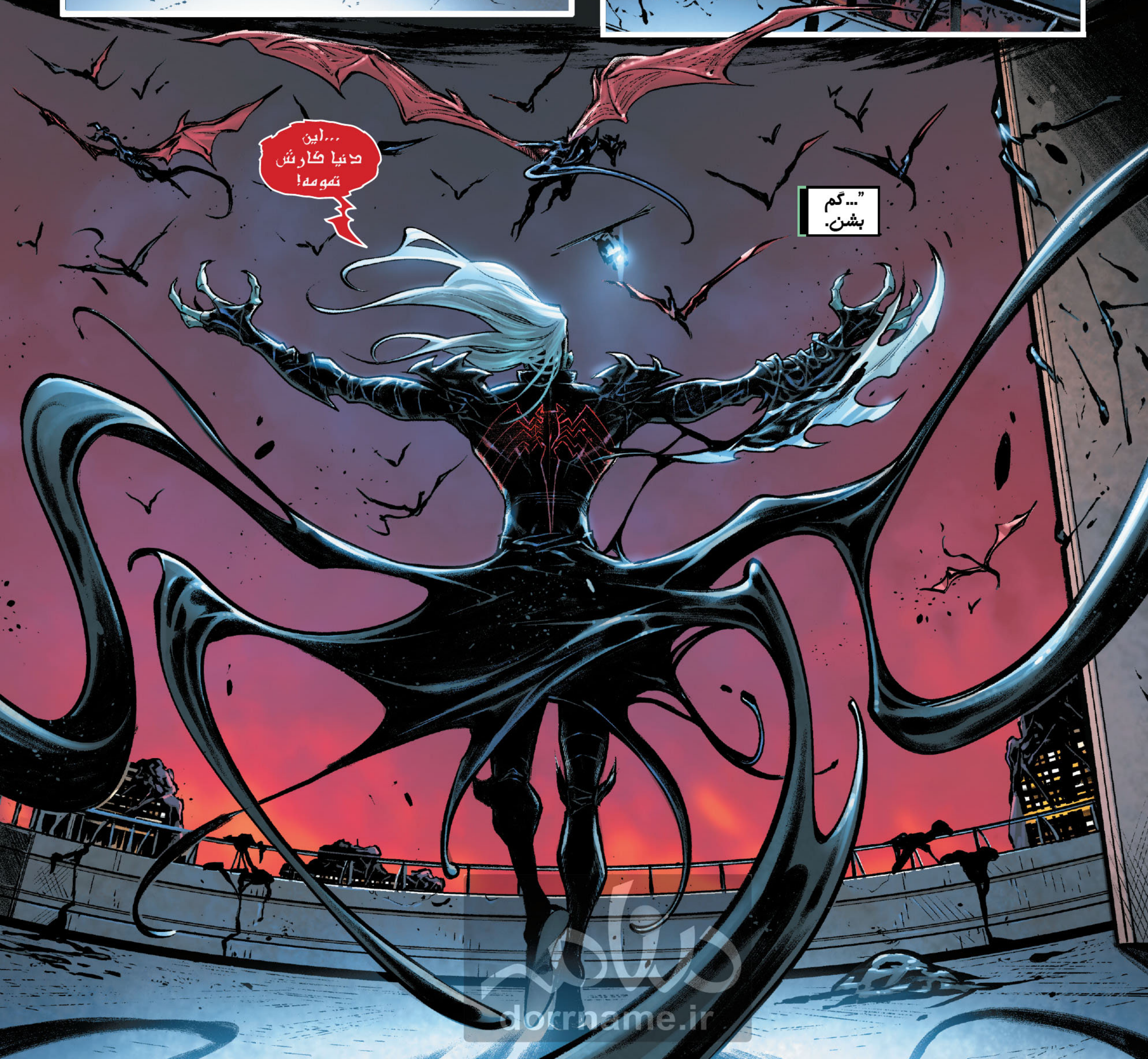


"می ترسم
مأموریت..."

گریه
نکن. مژادار
نباش. اون
هیچی نیست.
تو الان
خونه هستم...



"...و
دوستهام..."



...این
دنيا كارش
نومه!

"...گم
بشن."

”و من دارم از خودم می پرسم که چرا به این کسی که چیزی در موردش نمی دونم اعتماد کردم.“

کمک! لطفاً
من... نمی تونم حس است
کنم...

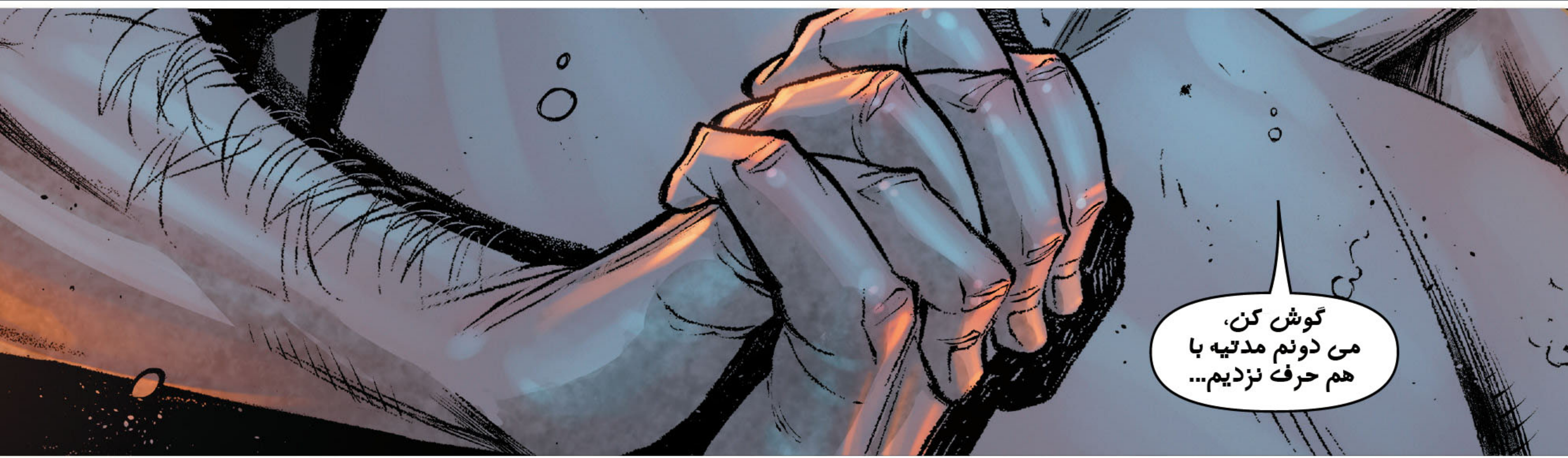
لطفاً نذار...

”ولی بطن همه این ماجرا
همینه، مگه نه؟“

نذار...
در تنجایی
بمیرم...

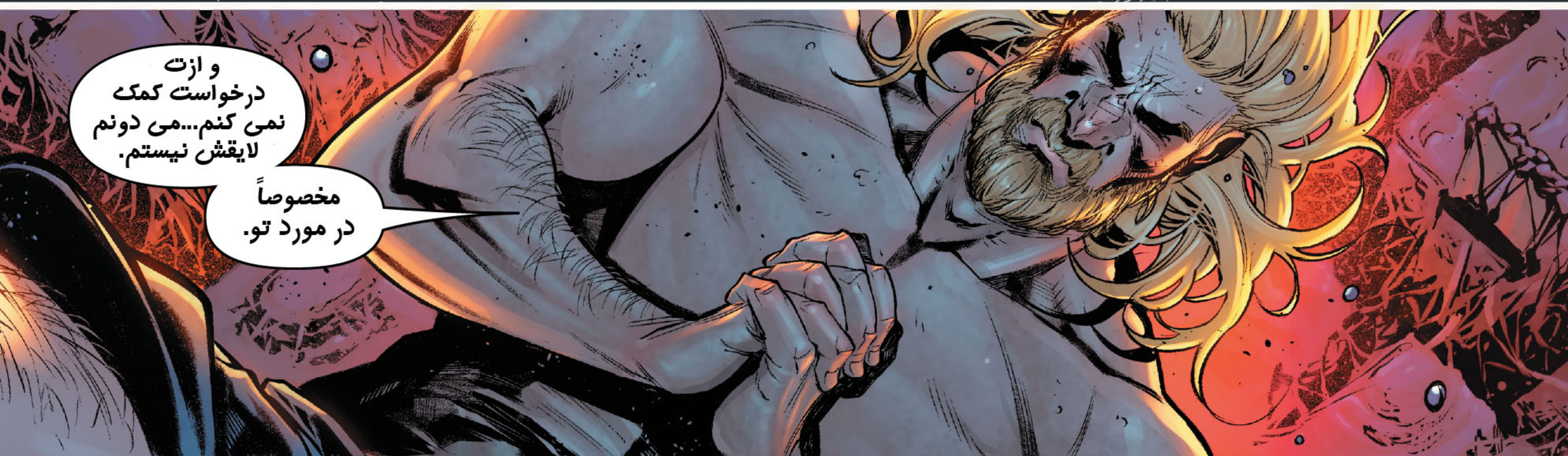
”درون ماجرا.“

”در موردش ریز می شم...“



گوش کن،
می دونم مدتییه با
هم حرف نزدیم...

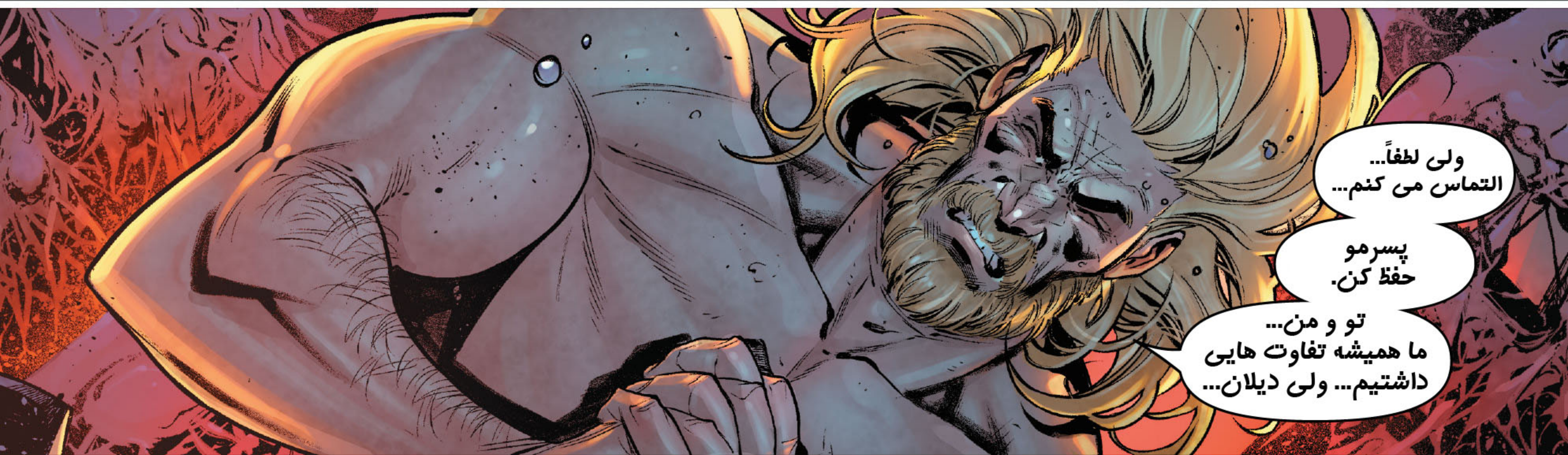
”سؤال های بیشتری به ذهنم می رسه.“



و ازت
درخواست کمک
نمی کنم...می دونم
لایقش نیستم.

مخصوصاً
در مورد تو.

”مادر موقع تولد مرد. بسیار کاتولیک.
تنها فرزند.“



ولی لطفاً...
التماس می کنم...

پسر من
حفظ کن.

تو و من...
ما همیشه تفاوت هایی
داشتیم... ولی دیلان...

پدر ثروتمند بود، ولی بعد از اینکه ادی تو بچگی تصادف
کرد، همه ثروتش رو از دست داد.



لیاقت اون
به ارث بردن...سیاهی
من...

”این بچه باهوش بود. دانشگاه رفت. تو دیلی گلوب مشغول کار شد. درباره قتل ها مقاله می نوشت.“

"چه بلایی سرت
اومده ادی؟"

...نیست.

"مسائل حل
نشده. قاتل های
زنجیره ای."

"همچین
چیز هاین."

"چرا جذب همچین
چیز هاین می شی؟"

یه روز یه چیز نادرست در مورد یه فرد
می نویسه و از کار بیکار می شه.

"و بعد..."

خدای
من...

”...از عرصه روزگار
محو می شه.



الو؟!
الو، کسی
می تونه...
آیرون من
هست. چی شده؟
دیلان براک
هستم. فقط می خواستم
حال پدرمو بپرسم و...
چی؟ کی این
فرکانس رو بهت
داده؟

آآم،
اونو از...
اسپایدر منو
می کشم.



گوش کن بچه. این خط باید امن بمونه.
پس نباید باهاش تماس بگیری،
باشه؟
ولی...
اونجا
تلویزیون
داری،
درسته؟



آره، ولی
سیگنال ضعیفه و
لگ داره. من نمی دونم
اون بیرون چه خبره!

اتفاقی که
افتاده اینه که ما
مشغولیم و داریم نهایت
سعی خودمونو
می کنیم.



الان باید برم، ولی این خط رو
آزاد بذار. تو مخفیگاه بمون
همه چیز...

CLICK

هرچی.

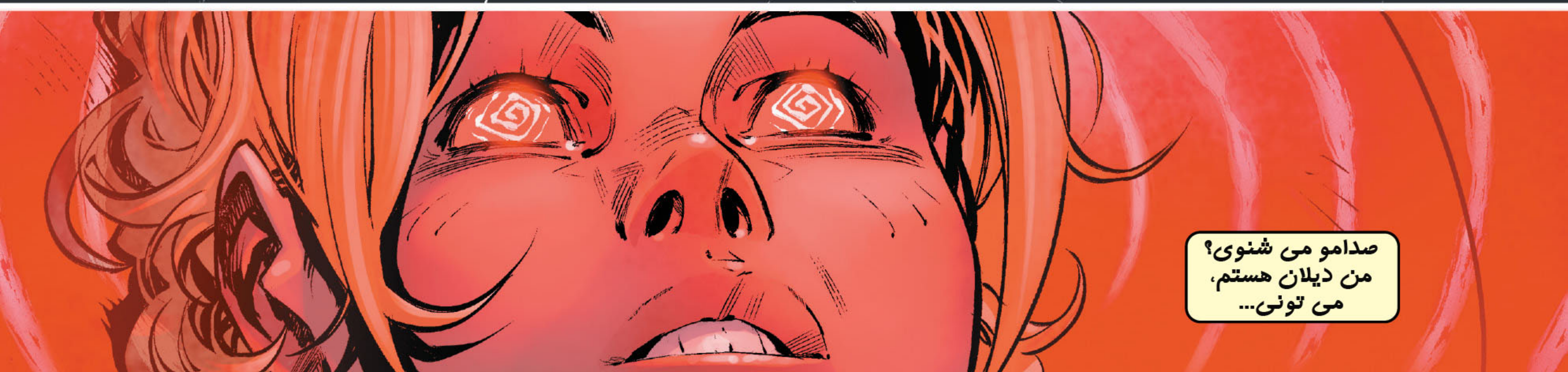


باید یه راهی باشه...

اگه بتونم با پدرم تماس بگیرم، می تونم...

یا... صبر کن...

نه...



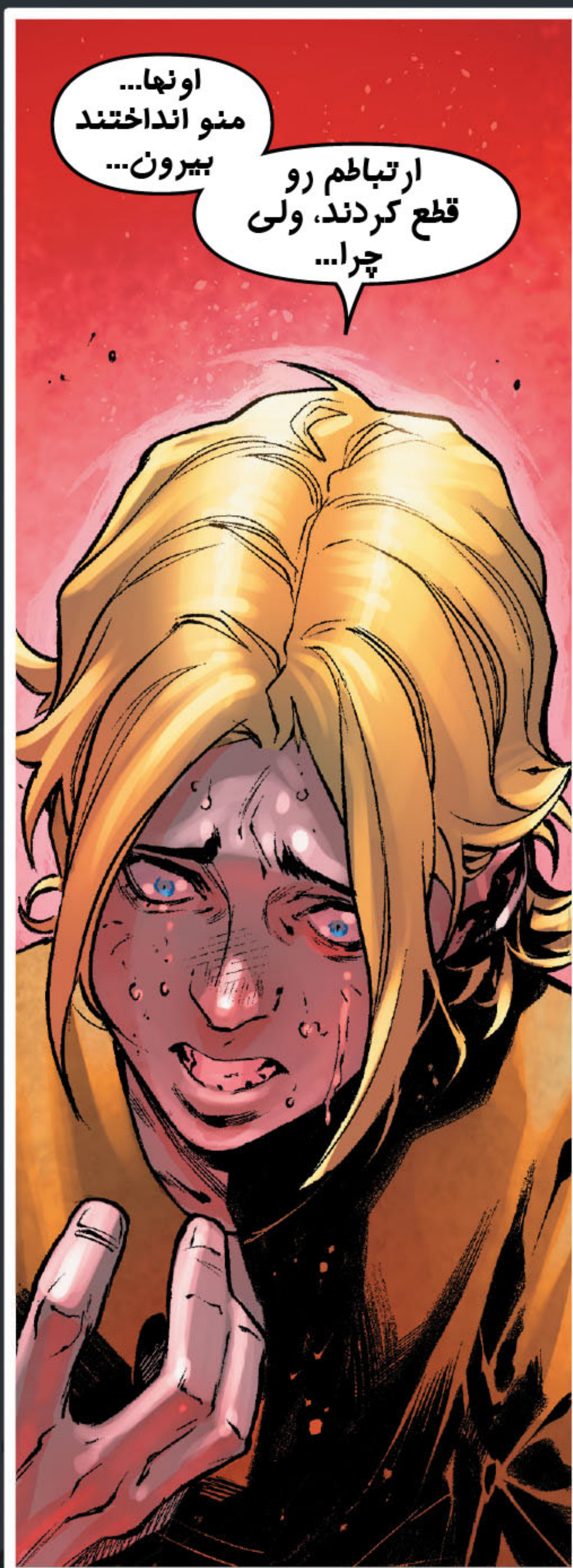
صدامو می شنوی؟ من دیلان هستم، می تونی...



دیلان، نه!!! خودتو از کنده جدا کن! تو رو پیدا می کنه!!!

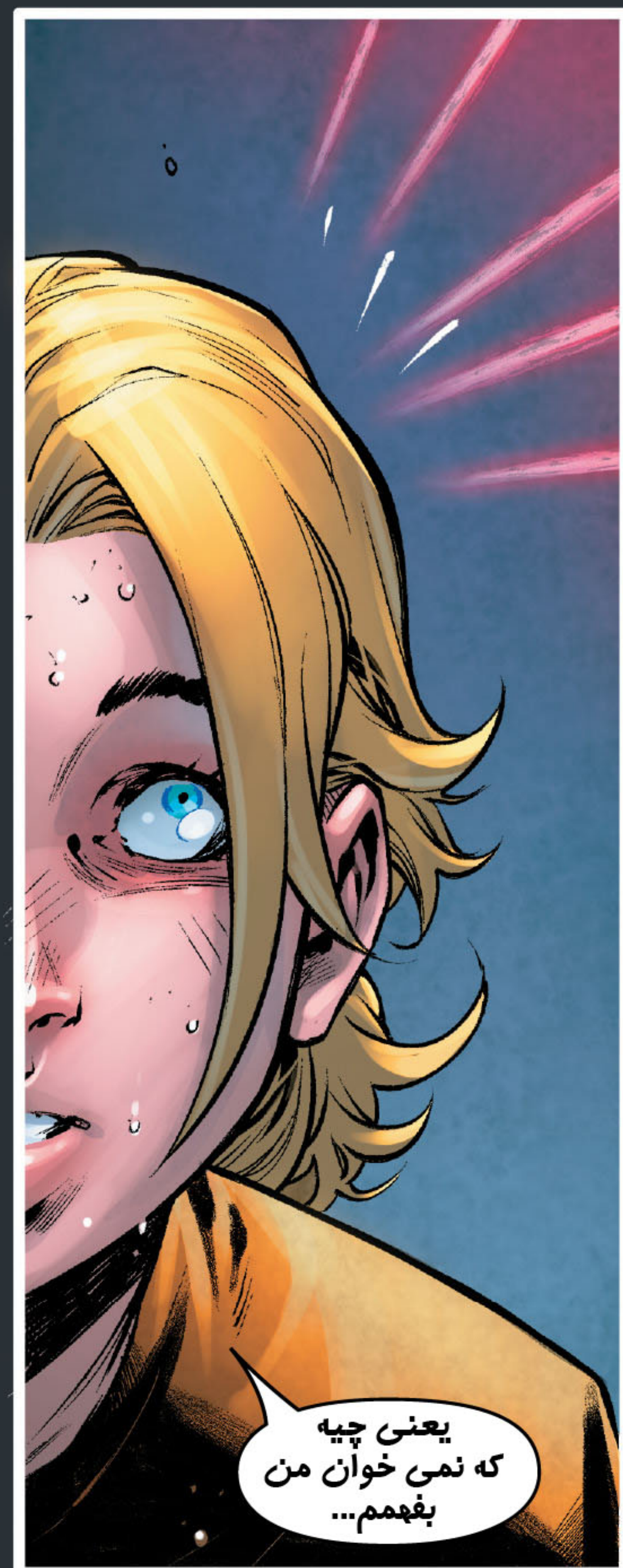
آخ! چه اتفاقی...

دیلان، برو بیرون!!!

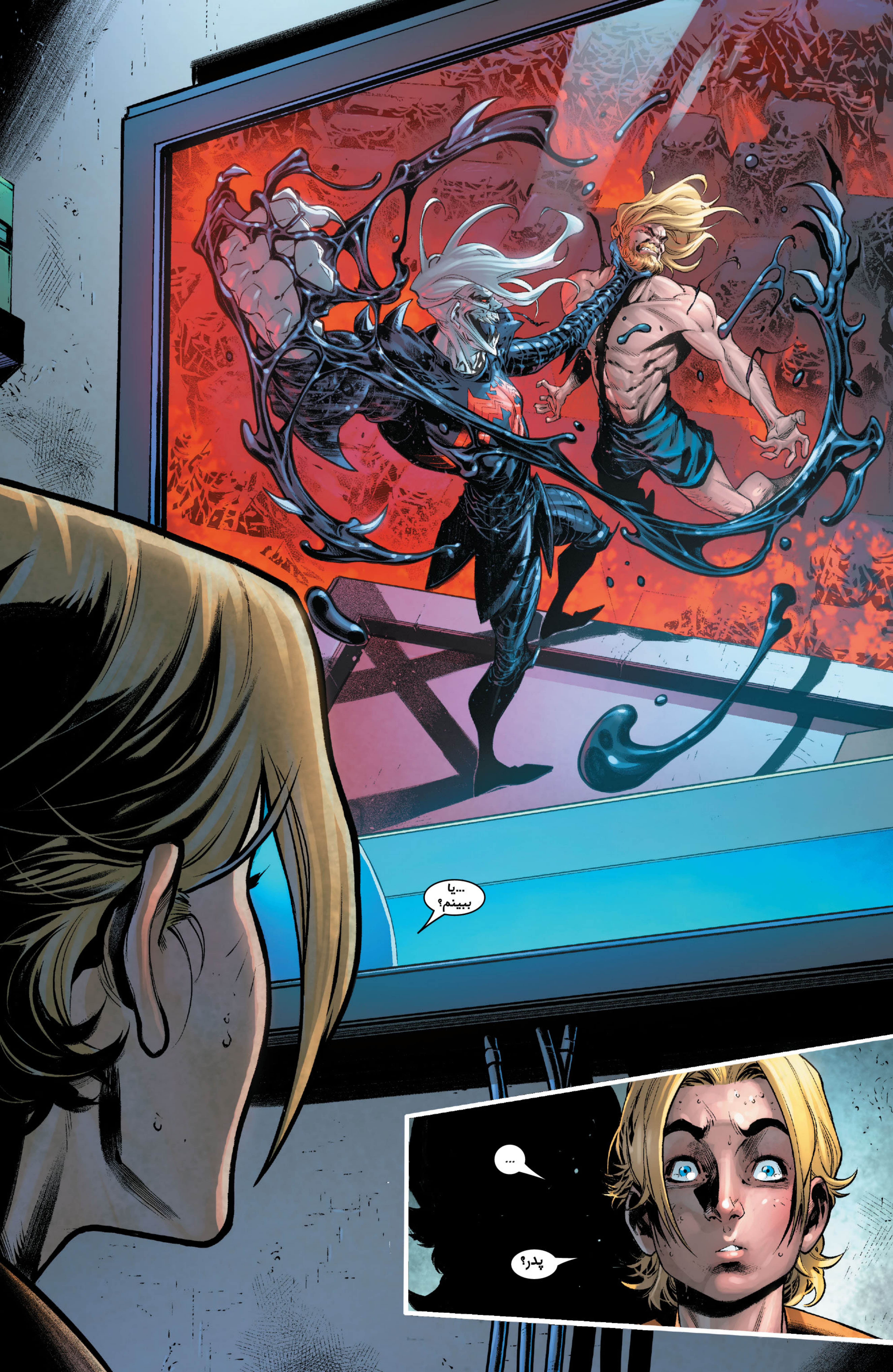


اونجا... منو انداختند بیرون...

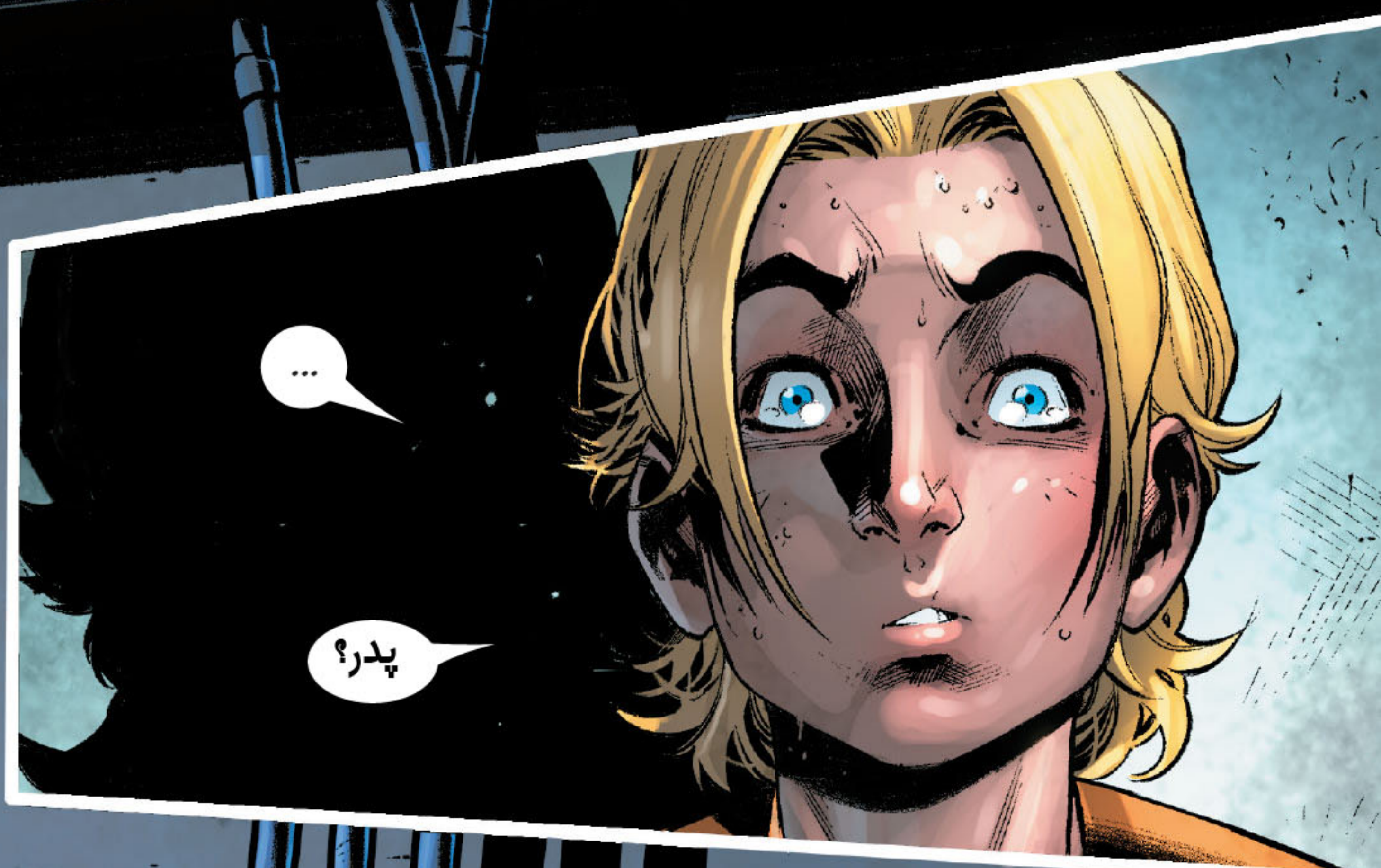
ارتباطم رو قطع کردند، ولی چرا...



یعنی چیه که نمی خوان من بفهمم...



یا...
بیینم؟



...

پدر؟



”ولی در یک چشم به هم
زدن یکی از افراد نیک
سافرانسیسکو شده...“

لعنتی، اون
هلیکوپتر! اونها
قرار نیست...

فکر کن
ادی،
فکر کن!

شاید اگه
بتونم از دیوار
برای پرش استفاده
کنم...



”... که سعی
می کنه از مردم
محافظت کنه.“

آآخخ!!!!



”چرا اینقدر نگران
مردم بیگناهی؟“

چه شد؟!
چطور تونستی...“

باید فرود
بیایی! نمی تونی
از دست اون
فرار کنی...“



”شاید این داستان
حقیقی ادوارد الن
براک باشه...“

”...مردی با هزاران
شانس دوباره.“



NO!!!

پادشاه بازگشت ها.

"مشکل اینجاست
که من دقیقا می دونم
اون کیه.

"ادی براک
هیچکس
نیست.

KR-RACAK

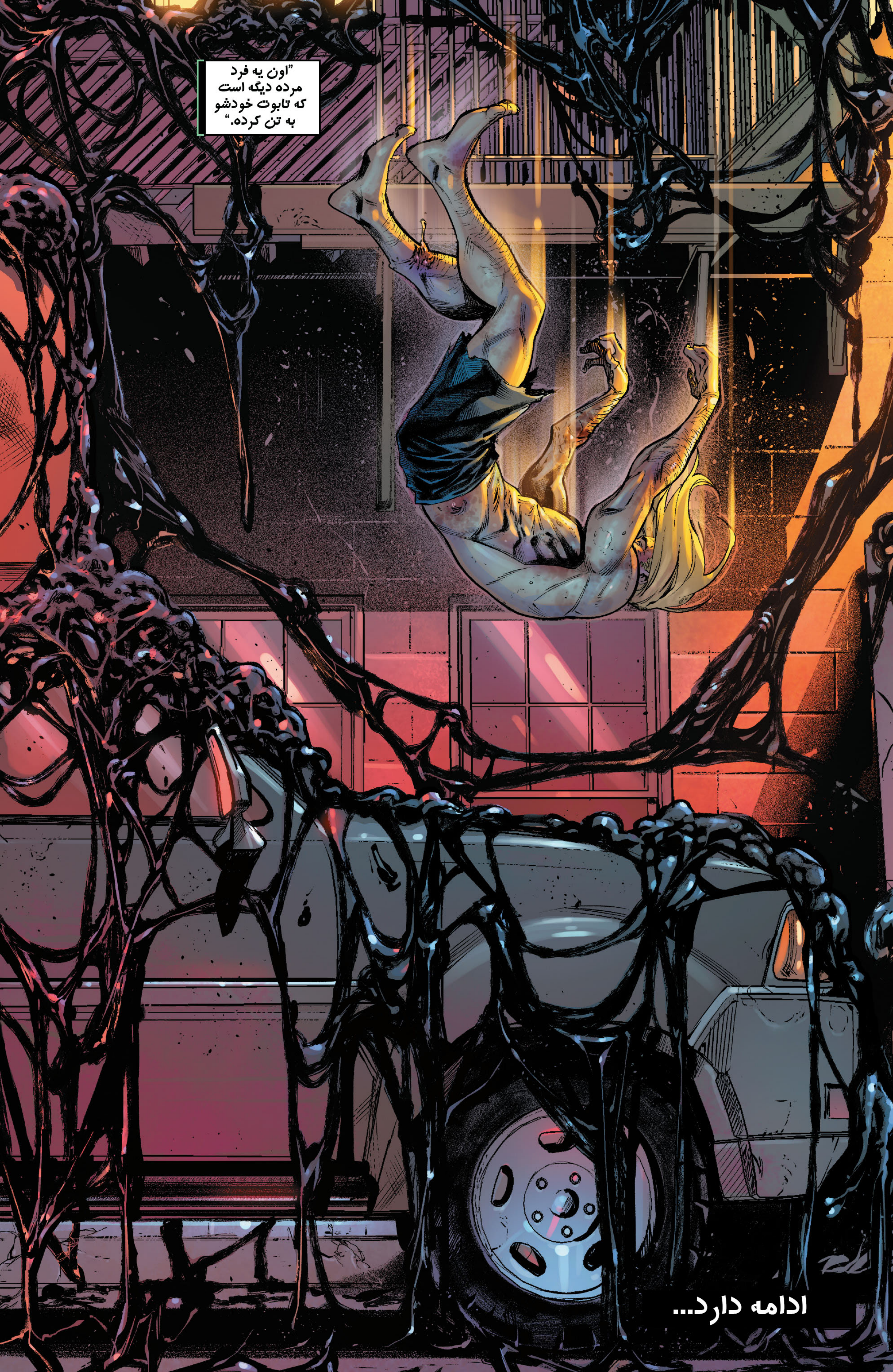
"و یکی از این روزها این
شانس ها از بین می رن.

THWAK

"ممکنه اون روز
امروز باشه، شاید
صد سال بعد.

"به هر حال، در اصل
موضوع فرقی نخواهد
بود.

”اون په فرد
مرده ديگه است
که تابوت خودشو
به تن کرده.“



ادامه دارد....

VENOM
BLOOD

VENOM

CATES
COELLO
ABURTOV



31

LGY#196

دورنام

dorname.ir

مرجع کمیک های فارسی

-COELLO-
20